

بابک خرم دین

تألیف:

سعید نفیسی

سرشناسه:	نقیسی، سعید،
عنوان و نام پدیدآور:	بابک خرم‌دین / تألیف: سعید نقیسی.
مشخصات نشر:	تهران: پر، ۱۳۹۵
مشخصات ظاهری:	۲۶۴ص.
شابک:	978-600-8137-44-3
وضعیت فهرست نویسی:	فیا
موضوع:	بابک خرم‌دین، - ۲۲۳ق.
موضوع:	ایران - تاریخ -
موضوع:	حکومت اعراب و جنبشهای ملی، تا ۲۰۵ق.
موضوع:	Iran - History -- Azali conquest and national Movements, to 8th century
رده بندی کنگره:	۱۳۹۵۵۶۲ DSR پ ۷ن/ت
رده بندی دیویی:	۹۵۵/۰۴۲۵
شماره کتابشناسی ملی:	۴۶۱۷۸۹۹



انتشارات پر

- نام کتاب: **بابک خرم‌دین**
- تألیف: **سعید نقیسی**
- صفحه آراء: **منیر علیزاده**
- نوبت چاپ: **اول ۱۳۹۶**
- تیراژ: **۱۱۰ نسخه**
- قیمت: **۱۴,۰۰۰ تومان**
- شابک: **۳-۴۴-۸۱۳۷-۶۰۰-۹۷۸** ISBN: **978-600-8137-44-3**

آدرس: خ لبافی نژاد، بین خ دانشگاه و فخررازی، پلاک ۱۷۴ واحد ۳
 تلفن: ۰۹۱۲۳۰۲۵۲۰۵ - ۶۶۴۶۶۹۶۵ - ۶۶۴۶۶۳۶۰

www.ParNashr.ir

فهرست مندرجات

۵.....	مقدمه‌ی نویسنده
۷.....	بابک خرمی
۱۶.....	جنیش بابک
۱۸.....	آغاز کار خرم دینان
۲۱.....	پایان کار خرم دینان
۲۳.....	خرم دینان
۳۵.....	جاویدان پسر شهرک
۳۷.....	سرزمین خرم دینان
۴۱.....	بابک و سرزمین وی
۴۹.....	کامروایی بابک
۵۴.....	زد و خورد‌های بابک
۶۱.....	آغاز جنگ‌های بابک
۶۵.....	جنگ‌های ۲۰۴-۲۱۱
۶۶.....	جنگ‌های سال ۲۱۲
۷۳.....	جنگ‌های سال ۲۱۴
۷۵.....	جنگ‌های ۲۱۷ و ۲۱۸
۷۷.....	جنگ‌های سال ۲۱۹
۷۹.....	جنگ‌های سال ۲۲۰

۴ □ بابک خرم‌دین

۸۱	جنگ‌های زمان معتصم
۱۱۳	جنگ‌های بابک و افشین
۱۲۱	جنگ‌های سال ۲۲۱
۱۲۷	جنگ‌های سال ۲۲۲
۱۳۶	سرانجام بابک در آذربایجان
۱۴۴	سبک گرفتاری و کشته شدن بابک
۱۵۶	سهل پسر سنباط
۱۶۳	بازپسین روزهای زندگی بابک
۱۸۱	سرانجام خرم‌دینان
۱۸۷	خاندان بابک
۱۹۱	بابک خرم‌دین در دیده‌ی خاورشناسان
۱۹۳	قفقازیات
۱۹۶	۱- سهل بن سنباط از مردم شکی واران
۱۹۶	۱- وضع عمومی
۱۹۸	۲- ارتقای سهل
۲۰۶	۳- جانشینان سهل
۲۰۹	۴- عیسی بن اصطیفانوس
۲۱۴	۲) دست‌نشانندگان قفقازی مرزبان در ۳۴۳ = ۹۵۵
۲۴۹	تکلمه
۲۵۳	مهم‌ترین مراجع درباره‌ی بابک و خرم‌دینان

مقدمه‌ی نویسنده

در زمستان ۱۳۱۲ و بهار ۱۳۱۲ پنج مقاله در سال‌های اول و دوم مجله شهر (از شماره ۹ سال نخست به بعد) درباره بابک و خرم‌دینان انتشار دادم. این سلسله مقالات از جمله نخستین گام‌هایی بود که در ایجاد حس پرستش پهلوانان دوره‌ی اسلامی تاریخ ایران برمی‌داشتم و تا امروز دنباله آن را رها نکرده‌ام و تا هستم رها نخواهم کرد.

همین فخر مرا بس که بیست‌سال است اوقات را در این می‌گذرانم راه را بر جوانان برومند بزرگواری که در این روزها در همین زمینه کار می‌کنند من گشوده و من نموده‌ام.

در این بیست‌سالی که از انتشار آن مقالات گذشته است باز هم مطالب تازه درباره این رادمرد دلیر آذربایجانی که جا دارد همه ایرانیان او را از زمره بزرگترین مردان دیار خوشیتنش بدانند به دست آورده بودم، وانگهی آن مقالات نایاب شده بود و کرارا زنان و مردان جوان و شورمند غیور این روزگار، که من هرگز خویشتن را از ایشان جدا نگرفته‌ام، خواستار آن مقالات شدند و درباره برخی از مندرجا آن توضیح خواستند. جای آن داشت که این بحث را نو کنم و برآنچه

۶ بابک خرم‌دین

پیش از این نوشته بودم بیفزایم در کتابی جداگانه به دست این فرزندان برومند گرای ایران بدهم.

شادم که این کار بدین گونه که می‌بینید به پایان رسید واز تار و پودهایی که از خویشتن را، که همواره در راه ایران بزرگ جاودانی تپیده است. در این اوراق گذاشتم. این است که این اوراق را هم با همان شور و تپش‌های همیشگی به فرزندان جوان ایران می‌سپارم و از ایزد دادآفرین دانش پرور جان‌بخش رستگاری و کامرانی و کام‌بخشی ایشان را آرزومندم.

در پایان سخن از همکار دانشمند نامی پروفیسور ولادیمیر مینورسکی که به من اجازه داده است ترجمه یکی از مقالات وی را در این اوراق جای دهم، و از آقای منوچهر امیری دوست جوان دانشمند پاک‌نهادم که در ترجمه این مقاله در میان گرفتاری‌های بسیار که داشتم با کمال گشاده‌رویی مرا یاری کرد سپاس فراوان دارم.

تهران - پایان شهریورماه ۱۳۳۳

سعید نفیسی

بابک خرمی

مردان بزرگ چه حاجت دارند که ما از پدر و مادر و خاندانشان باخبر باشیم؟ یگانه چیزی که ما از ایشان می‌خواهیم این است که از کارشان مردم را آگاه کنیم. به همین جهت اگر از اصل و نسب بابک خرم‌دین آگاهی درستی به ما نرسیده است چیزی از مقام بلند وی نمی‌کاهد.

طبری می‌گوید که بابک از تیره مزدک بود که به روزگار نوشین روان بیرون آمده بود.

ابن‌الندیم در کتاب الفهرست گوید: واقد بن عمرو تمیمی که اخبار بابک را گرد آورده است گفته است که پدرش مردی از مردم مداین و روغن‌فروش بود، به مرزهای آذربایجان رفت و در دهی که بلال آباد نام داشت از روستای میمد جای گرفت و روغن در آوندی بر پشت می‌گرفت و در دیه‌های روستای میمد می‌گشت، زنی‌اعور را دل‌باخته شده، این مادر بابک بود، با این زن چندی به حرام‌گرد می‌آمد، هنگامی با این زن از دیه بیرون رفته بود و ایشان تنها بودند و باده‌ای داشتند که می‌خورند، گروهی از زنان دیه بیرون آمدند و خاستند آب از